تنها اگر دمي...

تنها

    اگر دمي

کوتاه آيم از تکرارِ اين پيشِ پا افتاده‌ترين سخن که «دوستت مي‌دارم»

چون تنديسي بي‌ثبات بر پايه‌هاي ماسه

به خاک درمي‌غلتي

و پيش از آنکه لطمه‌ي درد درهم‌ات شکند

به سکوت

مي‌پيوندي.

پس، از تو چه خواهد ماند

چون من بگذرم؟

تعويذِ ناگزيرِ تداومِ تو

تنها

تکرارِ «دوستت مي‌دارم» است؟

با اينهمه

بغضم اگر بترکد... ــ

نه

پَرِّ کاهي حتا بر آب بنخواهد رفت

مي‌دانم!

تيرِ ۱۳۶۵